

مقالات

سیاست اقتصادی ایران و نتایج آن

بقیه از شماره ۱۱

منظور دولت ایران از انحصار بازرگانی خارجی - نتایج حاصله از تأسیس شرکتها - قانون بهره در مبادله بین‌المللی - تئوری ریکاردو ، استوارات میل و کرن - علت حمایت از شرکتها و مؤسسات اقتصادی ملی - طرق حمایت .

بطوریکه تابوی زیر نشان میدهد (۱) عدم این شرکتها روز بروز در تزايد بوده و از سال ۳۱۰ تا سال ۳۱۶ نتیجه عمل دولت در توسعه شرکتها و ازدیاد سرمایه آنها نیکو محسوس است :

سال	عدم شرکتها	جمع سرمایه هزار ریال
۱۳۱۰	۹۳	۱۴۳۰۰۹
۱۳۱۱	۳۲۶	۲۳۱۲۸۵
۱۳۱۲	۶۴۱	۳۵۳۷۲۷
۱۳۱۳	۷۴۷	۴۶۷۴۷۱
۱۳۱۴	۸۸۱	۸۴۶۰۵۹
۱۳۱۵	۱۰۱۸۲	۱۰۴۹۱۳۸۲
۱۳۱۶	۱۰۳۹۴	۱۰۳۶۴۲۳۹ (۲)

دولت نه فقط به تأسیس شرکتهای ایرانی اقدام و کمک نمود بلکه بان مؤسسات مزایانی از قبیل انحصار صادرات و یا واردات بعضی از محصولات قائل گردید مثلا (۳) شرکت بی‌اسم مرکزی (با سرمایه ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال) انحصار معاملات و صادرات کتف را تحصیل نموده شرکت بی‌اسم پنبه و پشم و پوست با سرمایه (۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال) حق انحصار خرید و صدور پنبه و پشم و پوست را دارا گردید . شرکت بی‌اسم تریاک با سرمایه (۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال) معاملات و صادرات تریاک را با انحصار خود در آورد . شرکت بی‌اسم برنج با سرمایه (۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال) انحصار صادرات برنج را تحصیل کرد . شرکت بی‌اسم با سرمایه (۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال) حق انحصاری صدور بیله ابریشم و واردات پارچه های ابریشمی را دارا شد و شرکت قماش با سرمایه (۶۰۰۰۰۰۰ ریال) انحصار واردات قماش و فروش آنرا در داخله کشور تحصیل کرد .

بدین طریق شرکت های نامبرده شروع به فعالیت نمودند . جمعی معتقدند که وجود این شرکتها برای کشور و صاحبان

۱ - مجله بانک ملی ایران شماره ۳۳۰ مارس ۱۹۳۹ صفحه ۸۷۱

۲ - تنزل جمع مقدار سرمایه سال ۱۳۱۶ به علت انحلال شش شرکتی است که جمعاً صاحب تقریباً ۳۴۰ میلیون ریال سرمایه بوده اند .

۳ - آمار تجاری سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ صفحه ۱۰

قبل از آنکه به نتایج حاصله از این تصمیمات اقتصادی توجه کنیم لازم است متذکر شویم که از ایجاد انحصار تجارت خارجی ایران نتایج زیرمورد نظر بوده است :

- ۱ - ازدیاد تولید ملی و صادرات .
- ۲ - تشویق و حمایت صنایع ملی .
- ۳ - توازن صادرات و واردات .

مطالعه و تحقیق خلاصه راجع به نتایج این فعالیت اقتصادی اجازه میدهد که اثرات انحصار تجارت را در روی این سه عامل اقتصادی ملی تعیین نماییم :

۱ - ازدیاد تولید ملی و صادرات ایران .
برای ازدیاد تولید ثروت مؤسسات قوی و صاحب سرمایه لازم است و بدیهی است در کشورهای متدنه دنیا مؤسسات مهمه تولید همیشه شرکتی هستند که با سرمایه های زیاد تشکیل میشوند و میتوانند با سازمان وسیع و قدرت مالی خود تولید و بخش مواد مختلفه را به مقدار زیاد تأمین نمایند . خوانندگان محترم از درجه اهمیت شرکت های معروف دنیا از قبیل کروب در آلمان - آرید در لواسامبورگ - فردوزنرال موتورز در امریکا فروشتال و زیه منس در آلمان - اشکودا در چکوسلواکی - بتهیم در امریکا شرکت های استخراج کننده نفت و معادن دیگر در امریکا و اروپا و هزاران شرکت های مهم دیگر که دارای میلیارد ها لیره سرمایه و صد ها هزار کارگر هستند اطلاع دارند و میدانند که فعالیت اقتصادی کشورهای متدنه دنیا نتیجه فعالیت شرکتی است که با دست مردم و سرمایه های آزاد تشکیل شده است .

برای کشوری مانند ایران که صنعت و بازرگانی در آن بطور افراد و بحالت اقتصاد اولیه انجام می یافته تأسیس شرکت و توجه دادن مردم بلزوم ایجاد آن امری است مسلم بسویزه آنکه صنعتگران و بازرگانان ایرانی از لحاظ فقدان سرمایه کافی وعدم آشنائی کامل با اصول بازرگانی و صنعتی در مقابل بحران و مشکلات اقتصادی هرگز نمیتوانند مقاومت نمایند .

درواقع تأسیس شرکت در ایران از سال ۱۳۰۸ که بحران اقتصادی حادث شده بود ب فکر دولت افتاد و از سال ۱۳۱۰ شمسی عملی گردید . بدین معنی که دولت بتأسیس شرکت های دولتی ، ملی و یا مختلط پرداخت و در تزیید شرکت های خارجی نیز همت گاشت .

سهام بسیار مفید افتاد و برای اثبات نظر خود تابلوی زیر را نشان داده و توضیحاتی بشرح پائین داده اند :

سال	عدد شرکتها	منافع به %
۱۳۱۰	۳	۲۱٫۴
۱۳۱۱	۶	۹٫۴
۱۳۱۲	۶	۱۱٫۹
۱۳۱۳	۱۹	۱۷٫۱
۱۳۱۴	۴۵	۲۰٫۷
۱۳۱۵	۸۸	۳۵٫۱
۱۳۱۶	۱۲۶	۲۶٫۷
	جمع	۲۹۳

حد وسط منافع مساوی است با ۲۷٪

بطوریکه می بینیم حد وسط منافع در این چند ساله به ۲۷ در صد بالغ است و این میزان سه الی چهار برابر حد وسط منافی است که بوسیله شرکت های مهم دنیا هاید و توزیع شده است .

در طی همین سالها حد وسط منافع برای انگلستان ۶٫۶٪ برای فرانسه ۱۰٫۶٪ برای بلژیک ۱۰٫۵٪ و برای چک اسلواکی ۷٫۹٪ بوده است .

باید اضافه نمود که در این حساب منافع سالیانه بانک ها احتساب نشده و چنانچه آنها نیز اضافه نماییم آنوقت حد وسط منافع سالیانه ۱۶٫۸۴٪ می شود که آن رقم نیز خیلی زیاد بنظر میرسد .

بنظر من و با در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی ایران و عوامل طبیعی و جغرافیائی و اجتماعی و سیاسی و غیره تأسیس شرکت در ایران در آن موقع مفید و لازم بوده است ولی استدلال اینکه چون شرکت ها منافع زیادی حاصل نموده اند فعالیتشان داده و فوایدی عاید کشور کرده اند صحیح نیست و رویه عملی آنها نتیجه بر ضرر ایران تمام شده و نتیجه ای که مورد نظر بوده است عاید نگردیده .

چه . غرض از ایجاد شرکت و انحصاراتی که میتوان برای آنها قائل شد آن نیست که شرکتها از موقعیت خود سوءاستفاده نموده کالا هائی که بطور انحصاری وارد نموده و یا در کارخانه های ملی تولید مینمایند از لحاظ عدم وجود رقیب و التزام صرف کننده بخريد بهر میزان و با هر کیفیتی که بخواهند تهیه و بهر بهایی که مایل باشند فروخته شود و نفع فوق العاده عاید دارند و حصول آن منافع را دلیل بر بهبودی وضع اقتصادی کشور و صرفه شراکاه خود دانند .

بلکه غرض از جواز انحصار و یا مزایائی که به بعضی از شرکتها در مواقع مقتضی داده میشود نکات دیگری است که فوق العاده مهم و محتاج به توضیح است و ما لازم میدانیم قبلاً در اطراف این مسائل اقتصادی که دوسیاست اقتصادی يك کشور اهمیت ویژه دارند بحث نموده توجه خوانندگان را بدان جلب نماییم . توضیح آنکه در دنیای صنعت و تجارت سابقه ندارد و

صحیح هم نیست که میزان منافع شرکتی بدون وجود يك سلسله عوامل استثنائی به ۲۵٪ برسد چه اصل آزادی بازرگانی و مبادله و رقابت و تقسیم بین المللی کار و توسعه و وسایط حمل و نقل در دنیا ایجاد میکنند که روابط اقتصادی بین المللی برقرار و کشور های دنیا از نقطه نظر اقتصادی و بازرگانی باهم ارتباط داشته و در یکدیگر نفوذ پیدا کنند مثلاً اگر در کشوری کارخانه ای تأسیس شود و موادی را که مورد حاجت جامعه میباشد تولید نماید هر گاه قیمت تمام شده کالا بالنسبه به بهای بازار دنیا اختلاف فاحش داشته و گرانتر باشد بالطبع صلاح کشور در آن خواهد بود که کالای ارزاتر را وارد کند و کارخانه داخلی را منحل سازد و در عوض تولید این محصول هم خود را مصرف به تولید يك نوع کالائی سازد که از لحاظ شرایط جغرافیائی و طبیعی برای او میسر باشد که قیمت تمام شده از بهای کالا های مشابه آن در بازارهای دیگر دنیا ارزاتر باشد و در اینصورت میتواند با صدور آن کالا بکشورهای مصرف کننده سود فراوان عاید دارد مگر آنکه علل و موجبات استثنائی و منافع ویژه ای آن کشور را بتأسیس صنعتی که نفساً نفعی عاید نمیسازد و ادا کند .

پروفیسور دلنر (G. de Leener) مقصد معروف بلژیکی و پروفیسور دانشگاه بروکسل راجع به بازرگانی بین المللی تحقیقاتی نموده که ما قسمتی از آن مربوط بقانون بهره که شرط مبادله بین المللی است استناد مینماییم (۱)

علمای اقتصادی معروف جهان از قبیل ریکاردو (۲) و استوارت میل (۳) راجع بعقل مبادله بین المللی مطالعاتی نموده و نظریاتی اظهار داشته اند که ما قسمتی از آن را در زیر شرح میدهم .

مطابق تحقیقات ریکاردو (Ricardo) و استوارت میل (Stuart mille) بویژه کرن (Cairnes) که همگی از علمای اقتصادی مشهور هستند برای اینکه بین دو کشور بازرگانی وجود داشته باشد شرط اصلی آنست که بین این دو کشور در بهای متایسه ای تولید دو کالا که مورد مبادله میخواهد قرار گیرد اختلافی وجود داشته باشد .

قبلاً لازمست بهای متایسه ای را توضیح دهیم : غرض از بهای متایسه ای آن نیست که بهای تولید يك کالا در دو کشور مورد نظر قرار گیرد بلکه منظور رابطه بین بهای کالا است که در يك کشور تولید میشود .

در حال برای وجود بازرگانی بین المللی تولید شیئی در يك کشور باعتبار تولید همان شیئی در کشور دیگر باید دارای مزایا و فوائد بیشتری باشد همینکه این فایده و مزیت مسلم شد مبادله بین دو کشور صورت خواهد گرفت بدیهی است این فایده و مزیت

(1) George de Leener—Théori du Commerce international. Bruxelles 1933 pages 52 et suivans.

(۲) ریکاردو مقصد انگلیسی و از پیشقدم های اکل کلاسیک است .

(۳) استوارت میل فیلسوف و مقصد انگلیسی متولد در لندن بسال ۱۸۰۶ طرفدار مکتب تجربه است .

در صورتی است که بهای مقایسه‌ای تولید در دو کشور اختلاف داشته باشد .

مثلا فرض میکنیم دو کشور را یکی بنام الف و دیگری ب کشور الف محصولات دیگری بنام (ل) تولید نمایند و کشور (ب) محصولات دیگری بنام (ل) تولید نمایند فرض میکنیم که در کشور الف يك واحد تولید رو بهمرفته ۱۰ (ك) یا ۱۵ (ل) و در کشور ب ده (ك) یا ۲۰ (ل) تولید کند در این صورت بهای مقایسه‌ای تولید عبارت است از $\frac{۱۰}{۱۵}$ در کشور الف و $\frac{۱۰}{۲۰}$ در کشور ب بطوریکه میبینیم اختلافی بین بهای مقایسه‌ای تولید این دو کشور موجود است و در این صورت مبادله بین این دو کشور موجب حدوث فایده شده و بازرگانی بین المللی مسلم خواهد بود در اینحال کشور الف بتولید (ك) و کشور (ب) بتولید (ل) خواهد پرداخت هر گاه هر يك از آن دو کشور خود بتولید (ك) و (ل) میپرداخت مجموعه تولید دو کالا در هر يك از آن دو کشور بطریق زیر معین میشد :

الف	ب
۱۰ ك	۱۰ ك
۱۵ ل	۲۰ ل
۱۰ ك + ۱۵ ل	۱۰ ك + ۲۰ ل

جمع = ۲۰ ك + ۳۵ ل

و در صورتیکه فرض کنیم کشور الف تنها (ك) و کشور (ب) تنها (ل) تولید نماید نتیجه شرح زیر خواهد بود :

الف	ب
۲۰ ك	۴۰ ل

جمع = ۲۰ ك + ۴۰ ل

بطوریکه میبینیم در اینجا بر مجموع تولید ۵ (ل) افزوده شده است و این منفعتی است که موجب می شود بین دو کشور مبادله حاصل شود یعنی بجای آنکه هر يك از این دو کشور بتولید دو محصول بپردازند صلاح و صرفه خود را در آن خواهند دید که هم خود را مصروف بتولید يك کالا نموده و با یکدیگر مبادله نمایند تا نفع بیشتری عاید آنها گردد .

نظری کرن (Cairnes) در عمل با این سازگاری نیست و کرن معتقد است با وجود اینکه بعضی از کشورها کالائی را بهای خیلی ارزاتر در داخله کشور خود تولید می نمایند با اینکه در بعضی موارد از مبادله و صدور آن خودداری می نمایند و علت آنست که میزان بهای مقایسه‌ای کالائی که باید مورد مبادله قرار گیرد در کشور تولیدکننده آن کالا نیز همین اندازه است و در مقام مقایسه با این کالا بهره عاید نمیشود . برای توضیح مطلب مثالی میزنیم :

فرض میکنیم دو کشور اسپانیا و ایتالیا و دو کالا

نارنج و روغن زیتون : ممکن است که بهای تولید نارنج در اسپانیا خیلی کمتر از ایتالیا باشد و با اینکه اسپانیا نارنج با ایتالیا نفرستد به علت آنکه مثلا چون صادر کردن نارنج باید در مقابل وارد کردن روغن زیتون باشد بهای تولید روغن زیتون در مقام مقایسه با بهای نارنج نسبت در دو کشور نامبرده مختلف نبوده و البته در این

صورت در مبادله این دو کالا فایده‌ای تحصیل نخواهد شد نتیجه جالب توجه دیگری که میگیریم آنست هر عاقلی که موجب شود بهای مقایسه‌ای کالاها در کشور های دنیا بیشتر اختلاف پیدا کند موجب مزید مبادله بین کشورها خواهد گردید .

نتیجه مثبتة تئوری (کرن) عقیده کرن ما را بدو نتیجه جالب توجه میرساند :

ریکار دو نیز در تجزیة شرایط بازرگانی بین المللی با این دو نتیجه توجه ویژه نموده است . مطابق نتیجه اول برای يك کشور ممکن است با صرفه‌تر باشد کالائی را که خود با بهای ارزاتر از بهای تمام شده در کشور دیگری تولید می نماید از آن کشور وارد نموده و از تولید آن صرف نظر کند .

ریکار دو این موضوع را بطریق زیر توضیح می دهد : (۱) دو کشور را بدو شخص تشبیه می نماید این دو شخص دو صنعتگر تلقی می شوند که هر يك می توانند کفش و کلاه بسازند ولی یکی از آنها در تولید این دو ماده بر دیگری برتری دارد لیکن مثلا کلاه را ب میزان يك پنجم یا ۲۰ درصد بیشتر از رقیب خود تولید میکند در صورتیکه کفش را $\frac{۱}{۳}$ یا $\frac{۱}{۳۳}$ /

بالتیجه کشور اول ۱۲۰ کلاه و ۱۳۳ کفش تولید میکند در صورتی که کشور دوم تنها ۱۰۰ کلاه و ۱۰۰ کفش میسازد . اگر فرض کنیم که این دو کشور هر يك بتولید کفش و کلاه پرداخته و محصول خود را مبادله نمایند مجموع تولید عبارت است از ۲۲۰ کلاه و ۲۳۳ کفش .

اگر بالعکس فرض کنیم که این دو کشور هر يك تخصص در تولید یک نوع کالا پیدا کنند و بعد نتیجه کار خود را مبادله نمایند کشور اول می تواند ۲۶۶ کفش و کشور دوم ۲۰۰ کلاه تولید کند که بالتیجه رو بهمرفته ۳۳ کفش زیادتز و ۲۰ کلاه کمتر تولید شده است مسلم است که در این صورت فایده‌ای برای هر يك از آنها موجود است و آن عبارت از ازدیاد تولید ۳۳ جفت کفش است در مقابل تقلیل ۲۰ عدد کلاه لیکن این ازدیاد کفش و تقلیل کلاه رو بهمرفته بصرفه دو کشور تمام می شود چه در حقیقت برای کشور اول ۱۲۰ کلاه مساویست با ۱۳۳ کفش و ۳۳ کفش مساویست با ۲۹ کلاه در حالی که برای کشور دوم ۳۳ کفش مساویست با ۳۳ کلاه . ممکن است در حقیقت بازرگانی و اقتصادی دنیا بگوئیم مصداق چنین نظری خیلی اشکال دارد و بدیهی است که این نظری از لحاظ اشکالات و بهم پیچیدگی های بازرگانی بین المللی زیاد مورد عمل نیست با اینکه صحت تئوری و مسلمیت آن مورد ایراد نیست .

ریکار دو خود این موضوع را محسم کرده فرض زیر را درباره انگلستان و پرتغال نموده است . مطابق فرض ریکار دو انگلستان می تواند با استخدام ۱۲۰ کارگر در سال شراب و با استخدام ۱۰۰ کارگر ماهوت تولید کند در صورتی که پرتغال برای تولید همین مقدار شراب در سال ۷۰ کارگر و برای تولید همان مقدار ماهوت ۹۰ کارگر استخدام می نماید .

(1) œuvres Complètes de David Ricardo pp 96 et 97.

باینکه برتقال می توانست ماهوت مورد احتیاج خود را سهلتر از انگلستان تولید کند باینهمه صلاح خود را در این تشخیص داد که این کالا را از انگلستان وارد کند زیرا بان مرکز کلیه قوای صنعتی و استعمال سرمایه خود بتولید شراب استفاده بیشتری مینموده و بامبادله آن باماهوت انگلستان مقدار ماهوتی بدست میآورد که از میزان تولید داخلی خود بیشتر بود پس باین وضعیت صلاح خود را در این دید که قسمتی از سرمایه خود را بجای تولید ماهوت صرف تولید ذرات انگور نماید.

این مثال البته فرضی است لیکن امثله واقعی نیز موجود و صحت این امر را مدلل میسازد. کرن راجم باسترالیا هنگام اکتشاف معادن طلا در سال ۱۸۵۱ تحقیقی نموده که مربوط باین موضوع میباشد. استرالیا دارای منابع جنگلی خیلی زیاد بود که میتواند چوب جنگل را به بهای خیلی ارزان بدهد با اینهمه استرالیایی ها ترجیح میدادند که چوب مورد نیاز را از جنگل های شمال وارد کنند زیرا مردم استرالیا صرفه خود را بیشتر در این دیدند که وقت و سرمایه خود را بجای تهیه چوب صرف استخراج معادن طلا بنمایند.

فرانسس بان (Francis Bown) (۱) همین موضوع را راجع بمبادله و بازرگانی بین بارباد ها و دول متحده بحث می نماید.

شرایط جغرافیایی و جوی استثنائاً برای ساکنان جزیره بارباد بنحوی مساعد بود که بآنها اجازه مبادله حوائج آذوقه خود را به بهایی که ارزاتر از بهای آن محصول در دول متحده امریکا بود بدست بیآورند با اینهمه برای تحصیل آذوقه ترجیح دادند که بدول متحده امریکا مراجعه نموده و از تولید آن محصول خود داری کنند زیرا صلاح و صرفه ساکنان جزیره نام برده بیشتر در آن بود که تمام هم خود را منحصرأ بتولید قند که شرایط تولید آن در آن جزیره بدرجات مساعد تر بود مصروف دارند.

طبق نتیجه دوم که از تئوری (کرن) حاصل میشود، کشوری ممکن است صرفه خود را در این بیند که بین دو محصول که تولید آن برای او بخوبی مقدور است آرزای انتخاب نماید که استفاده اش کمتر است مشروط بر آنکه در مقام مبادله خارجی این محصول موادی را بدست آورد که از تولید آن صرف نظر نموده و با احتیاج دارد.

این تئوری بوسیله باستابل (Bastable) بیان شده است. باستابل دو کشوری را فرض نموده که هر یک از آنها دارای دو واحد قدرت تولید میباشد یکی از این دو کشور الف و دیگری را ب مینامیم.

فرض میکنیم در کشور الف یک واحد از قدرت تولید ۲ (ک) و واحد دیگر ۳ (ل) بدهد و در کشور ب بهمان طریق یک (ک) و ۲ (ل) تولید شود. مسلم است که مجموع تولید این دو کشور چنانچه هر یک دو محصول تولید کنند و یا آنکه تنها بتولید یک محصول بپردازند مختلف خواهد بود.

در حالت اول یعنی چنانچه هر یک از این دو کشور (ک) و (ل) تولید نماید مجموع تولید مساویست:

الف	ب
۲ ک	۱ ک
۳ ل	۲ ل
جمع = ۳ ک + ۵ ل	

و در صورت دوم نتیجه عبارت خواهد بود از:

کشور الف	کشور ب
۴ ک	۴ ل
جمع = ۴ ک + ۴ ل	

بطوریکه می بینیم در حالت دوم مجموع تولید باندازه یک (ک) از حالت اول زیاد تر و به میزان یک (ل) از آن کمتر است ولی در کشور (ب) مطابق شرایط تولید بهای یک (ل) مساوی با $\frac{1}{3}$ ک و در کشور الف یک (ل) مساوی با $\frac{2}{3}$ ک است بالتبجه باید بگوئیم که ارزش جمع تولید زیاد شده است در صورتی که نتیجتاً یک (ک) زیاد و یک (ل) کم شده باشد.

نظر باینکه در این حال فایده ای حاصل میشود بالتبجه دو کشور مورد بحث صرفه خود را در این خواهند دید که محصولات خود را مورد مبادله قرار دهند باین معنی که کشور الف از تولید (ل) صرف نظر مینماید برای آنکه تمام اوقات خود را صرف تولید (ک) کند یا اینکه میزان قدرت تولید او برای تولید (ل) بیشتر از (ک) میباشد. برای آنکه حقیقت این نتیجه تئوری کرن بمنصه ظهور برسد امثله زیادی بیان شده مثلاً در مورد جزائر انگلوتومانند ذکر شده است در زمانی (ژرسی) از انگلستان گندم وارد میکردند و برای آن سبب زمینی و سبزیجات و غیره تهیه مینموده (ژرسی) میتواند گندم را سهلتر از سبزیجات تولید نماید ولی بعد از دقت و مطالعاتی که زمامداران اقتصادی آن نمودند صرفه ای را که از این مبادله تحصیل مینمود بیشتر ساکنان آنجا را تشویق بتولید سبزیجات و مبادله آن کرد تا تولید گندم.

تا تمام

(1) Francis Bown. American political Economy New-york, Charles Scribne's. 1890, pp 481 et 482.

(2) C. F. Bastable. The theory of international trade with some of its applications to economic policy, page 17.